خبر

«کن-پامنار» در جشنواره‌های پامبوجان و ژوهانسبورگ

فیلم سینمایی «کن - پامنار» پس از حضور در جشنواره کره‌جنوبی و هند، برای حضور در دو جشنواره پامبوجان و ژوهانسبورگ پذیرفته شده است. این فیلم به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اشکان درویشی برای حضور در هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی پامبوجان در فیلیپین و هفتمین دوره جشنواره جهانی ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی انتخاب شده است. جشنواره پامبوجان فیلیپین ۴ تا ۱۱ مارس ۲۰۲۳ و جشنواره ژوهانسبورگ ۱۵ تا ۱۶ دسامبر ۲۰۲۳ برگزار می‌شود. کن - پامنار که براساس طرحی از اشکان درویشی و با فیلمنامه سیروس همتی ساخته شده، روایتی از زندگی کودکان کار در محله‌های فقیرنشین مناطق پایین شهر تهران و حمایت از دختران مظلوم افغانستان است و تیتراژ پایانی آن نیز قطعه «شرح روزگار» با صدای سالار عقیلی است. برای اولین بار در ایران این فیلم کاروان خیریه اکران در شهرهای مختلف به‌راه می‌اندازد و با اهداف خیرخواهانه آزادی زندانیان، تهیه جهیزیه برای افراد بی‌بضاعت، حمایت از کودکان‌کار، تامین داروی کودکان بیمار و ... با موسسه خیریه فرشته‌های بهشتی با مدیریت مهشید خسروی و عوامل فیلم در شهرهای مختلف اکران عام‌المنفعه و همت عالی خواهد داشت. سیامک صفری، بابک نوری، علیرضا استادی، ندا حسینی، سیروس همتی و مهدی تارخ با حضور افتخاری فریبا کوثری در این فیلم نقش‌آفرینی کرده‌اند.

دوشنبه نوشته‌ها

غلبه بزرگ‌ترین ماراتن سینمایی بر گفتمان خشونت

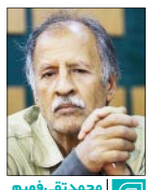

محمدتقی فهیم
منتقد سینما

فقط ۱۵ روز تا برگزاری جشنواره چهل و یکم فیلم فجر (بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویداد سینمایی فرهنگی کشور) باقی مانده است. جشنواره‌ای که امسال از هر نظر در شرایط و حال و هوایی متفاوت برگزار می‌شود؛ واقعیتی که باعث شده تا جشنواره در زمینه اطلاع‌رسانی چراغ خاموش جلو برود برکسی پوشیده نیست، البته تا یک‌جایی این رویکرد قابل پذیرش است اما وضعیت فعلی را نمی‌توان دربست متاثر از فشارهای جانبی دانست بلکه بخشی از آن را باید ناشی از فقدان تاکتیک و استراتژی «ژورنالیسم فعال» در شرایط بحرانی ارزیابی کرد. مثلا در حالی سازمان جشنواره در لاک انفعالی قرار دارد که وزیر ارشاد این وظیفه را برعهده گرفته و هر چند روزی یک خبر انرژی‌بخش از جشنواره در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهد. بی‌تردید اگر همین چند بار اطلاع‌رسانی وزیر نبود چه بسا دامنه شایعه‌پراکنی علیه «بود و نبود» جشنواره گسترده‌تر و خطرسازتر بروز و ظهور می‌یافت. آنچه بر عرصه و فضای (خصوصا هنری فرهنگی) کشور حاکم است، تبلور و جلوه عینی به قول «فوکو» گفتمان خشونت است. در بحران پشت سر گذاشته ثابت شد که شعار به ظاهر روشنفکرانه «با تو هم عقیده نیستم اما جانم را می‌دهم تا تو حرفت را بزنی» عمیقا توخالی و بی‌معناست و هرجا به نفع جریانی باشد از آن استفاده ابزاری می‌شود. بارزترین این راه و روش دیکتاتورمآبانه در قضیه «پرویز شهبازی» و خصوصا «پرواز همای» اتفاق افتاد و... بنابراین دست به عصا گرفتن سازمان جشنواره در مواجهه با لشکر فشار فضای مجازی حتما انتخابی هوشمندانه بوده است ولی این سیاست فقط تا مرز انتشار اسامی و فهرست آثار قابل تایید است اما تسری آن به تعطیلی هر مطلب و تحلیل و توضیحی، کمک به شق اول ماجراست.

یعنی در بی‌خبری و کم‌اطلاعی گذاشتن رسانه‌ها و مخاطبان، یاس‌پراکنی، دروغ‌سازی، توهم‌پروری و رویابافی را گسترش می‌دهد؛ حال آن‌که تولید و انتشار محتوای تبیینی و تحلیلی پیرامون در جریان بودن و پیشرفت امور جشنواره، به‌مراتب اصلی منطقی و منبعث از بصیرت و تدبر تلقی می‌شود. اکنون آنچه بیش از موارد فوق اهمیت بسزایی دارد، این‌که آیا مدیریت و سازمان جشنواره تهدیدات ساری و جاری را در این سازوکار تبدیل به فرصت خواهد کرد یا مانند وضعیت معلق کنونی همه‌چیز را به «پوشش شایعه‌پراکنان» وا خواهد گذاشت؛ شیوه‌ای از مدیریت که در ساختارهای مدرن به عقب‌نشینی در برابر ناراضیان منافع‌طلب و مهاجمان خشونت‌ساز تعبیر می‌شود. همواره بحران‌های اجتماعی در عین هزینه‌سازی و تهدیدکنندگی، فرصت مغتنمی برای ایجاد امکانات، تغییر روش‌های عقب‌مانده به وضعیتی متعالی‌تر و رویش و تراوش خلاقیت‌های بهینه پیش روی مدیریت‌ها قرار می‌دهد. مثلا درنظر بگیرید که سینمای ایران در سال‌های زیستش، با حرکت‌های مارپیچ و فراز و فرودهایی، افق آرمانی‌اش مغایر با دیپلماسی کلان کشور بوده است، حتی رگه‌هایی از آن تمام‌قد علیه این دیپلماسی تولید محتوا کرده است اما سازمان سینمایی در دوره جدید با تلاش‌های آشکاری در سطح جهان و خصوصا منطقه و همسایگان (و روسیه) پیگیر تغییر سیاست‌ها در نسبت با دیپلماسی دولت برنامه‌ریزی کرده است و لذا تکلیفش با خودش روشن است. آیا جشنواره فیلم فجر نیز از شرایط به‌وجود آمده به نفع ثبات و اقتدار این رویداد بهره خواهد برد تا بالاخره جشنواره از حالت «شتر گاو پلنگ» بودن ۴۰ سال گذشته رهایی یابد. (بحث را ادامه خواهیم داد)

در گفت‌وگو با فرهاد حاجی‌عباسی، برنده ۲ فانوس جشنواره مردمی فیلم عمار عنوان شد

تکلیف مدار بودن رمز موفقیت عمار

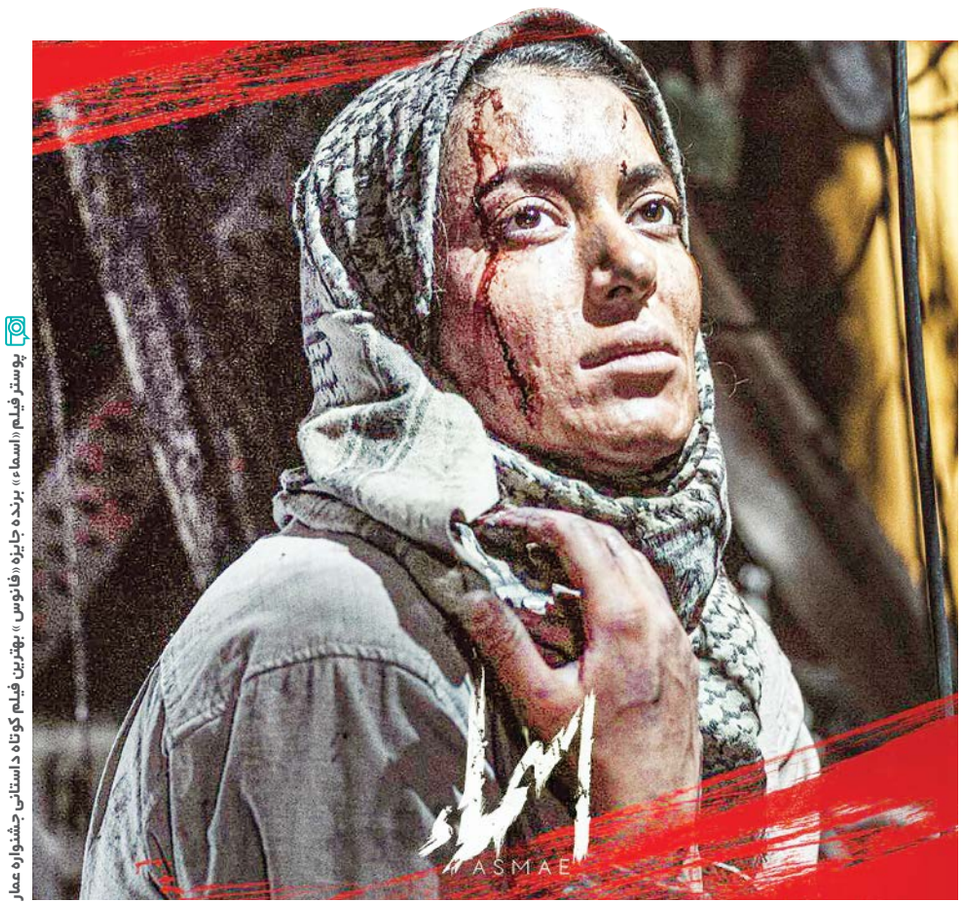

پوستر فیلم «اسماء» برنده جایزه «فانوس» بهترین فیلم کوتاه داستانی جشنواره عمار

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

یکی از مهم‌ترین فیلم‌های زن‌محور سینمای جنگ و دفاع مقدس، «نجات یافتگان» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور بود که عاطفه رضوی در آن نقش امدادگری به نام مریم را بازی می‌کرد. فیلم کوتاه «اسماء» به کارگردانی مصطفی آقامحمدلو و تهیه‌کنندگی فرهاد حاجی‌عباسی هم با محوریت حضور یک خانم امدادگر و پزشک اهل سوریه، تا حدودی یادآور آن اثر شاخص سینمایی است و با نگاهی به دو فیلم، می‌توان فصل مشترک آنها را همین مقاومت و جانفشانی بانوان در جبهه‌های مقاومت دانست، یکی در خط مقدم دفاع‌مقدس و یکی هم خط مقدم جنگ سوریه علیه نیروهای تکفیری. درخشش اسماء از سی‌ونهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران شروع شد و بعد از نامزدی در بخش‌های بازیگری، گریم، جلوه‌های ویژه و صدا درنهایت موفق به دریافت دو جایزه ویژه سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از آن رویداد شد. این موفقیت در سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار شکل پررنگ‌تری به خود گرفت و اسماء فانوس (جایزه) بهترین فیلم کوتاه داستانی را به دست آورد. دستاورد مصطفی آقامحمدلو و فرهاد حاجی‌عباسی در شب اختتامیه عمار تنها محدود به این جایزه در بخش داستانی نبود، بلکه آنها با «برای آزادی» فانوس بهترین فیلم بخش مستند نهضت جهانی مستضعفین را هم دریافت کردند، اثری با کارگردانی مشترک آقامحمدلو و حاجی‌عباسی و تهیه‌کنندگی زین‌العابدین حیدری. در گفت‌وگو با فرهاد حاجی‌عباسی درباره ساخت فیلم اسماء و موفقیت آن در این دو جشنواره سینمایی صحبت کردیم.

پیش از ورود به سینمای داستانی در عرصه مستند فعالیت می‌کردید. آیا درباره مقاومت سوریه هم آثاری ساخته بودید و تجربه‌ای در این موضوع داشتید؟

ما از سال ۱۳۹۱ با پرونده بحران سوریه آشنا بودیم و از آن زمان تاکنون برای ساخت مستند رفت‌وآمدهایی به آنجا داشتیم. آشنایی من با آقامحمدلو هم از طریق همین سفرهای سوریه و به‌واسطه شهید صدرزاده شکل گرفت و در سال‌های بعد اسباب همکاری شد. از سال ۱۳۹۵ به این طرف این همکاری منسجم‌تر شد و در قالب موسسه و گروه هنری مهاجر فعالیت داریم. ضمن این‌که عقبه آقای آقامحمدلو سینمای داستانی بود و به نظرم ترکیب این پشتوانه سینمای داستانی و سابقه فعالیت من در سینمای مستند و حضور میدانی هر دو در سوریه، در فیلم اسماء جواب داد. ما بعد از ساخت تیزر فرهنگی، مستند و کوتاه داستانی، این روزها در حال نگارش فیلمنامه بلند و سینمایی هستیم. مضاف براین‌که یکی از دلایل حضور در عرصه فیلم کوتاه و ساخت فیلم اسماء احساس نیاز درخصوص رویت و نمایش مسائل سوریه در سینمای داستانی بود. ارتباط تنگاتنگ با پرونده سوریه در ۱۰ سال گذشته، الحمدا... شناختی را ایجاد کرد که شاید کمی بیشتر از شناخت فضای رسانه‌ای باشد. آشنایی با مردم سوریه و مشکلات آنها و شناخت عناصر درگیر در جنگ سوریه، اثرگذاری رسانه‌ها بر سوریه و... منجر به ساخت ۳۰ مستند شد. همین حضور و درگیری مدام با موضوع، احساس نیاز کار در این زمینه را به وجود آورد. به‌رغم این‌که ما ده‌ها و صدها شهید ایرانی و غیرایرانی در سوریه دادیم، متاسفانه در حوزه رسانه و فضای داستانی و به‌خصوص سینما بازخورد چندانی نداشت. شاید الحمدا... در حوزه مستند به یک اشباع و قناعی رسیده باشیم، هرچند آن هم نیاز به آسیب‌شناسی و بازنگری کیفی دارد اما در سینمای کوتاه و بلند داستانی نیاز به کار کمی و کیفی جدی داریم. آیا ما آن‌قدر که در عرصه میدان و نظامی در حفظ و حمایت از دولت و مردم سوریه موفق بودیم، به همان میزان بازخوردش را در عرصه سینمای مستند و داستانی دیدیم؟ آیا حتی آثار مستند تولیدشده به زبان مردم سوریه و مردم منطقه و مردم جهان بود یا صرفا به زبان ایرانی بود؟ منظورم از زبان؛ فارسی، انگلیسی و عربی نیست، بلکه مقصود درک مردم است. ما حتی در این خصوص از بخشی از مردم ایران غافل بودیم درباره آنچه در سوریه می‌گذرد. گاهی ما هرقدر در سوریه موفق می‌شدیم، بازتاب و تاثیر رسانه‌ای آن معکوس می‌شد. پرونده حلب شاید از نظر نظامی مثل آزادسازی خرمشهر بود اما در حوزه رسانه‌ای ما فتح خرمشهری ندیدیم، چه در مستند چه در داستانی. ما متاسفانه در زمینه داستانی با این موضوع، نه‌تنها فشل که فلج هستیم! ما هم در زمینه مستند و هم در زمینه داستانی، مشکلات عدیده‌ای درخصوص انتقال پیام چه به داخل و چه به خارج داریم. شاید شاخص‌ترین کار سینمای داستانی درباره سوریه، «به وقت شام» ساخته جناب حاتمی‌کیا باشد. در مجموع ما به نسبت تعداد شهید، هزینه، وقت و امکاناتی که در سوریه داشتیم، در حوزه رسانه و به‌خصوص در حوزه داستانی موفق عمل نکردیم. یعنی همپای حضور در میدان و اقدامات دیپلماتیک، هنرمند ما خودش را مکلف نمی‌داند و نمی‌گوید چون در همسایگی من شهیدی مدافع حرم یا مدافع وطن وجود دارد، من هم دستی برسانم و نماآهنگی، مستند، فیلم کوتاه داستانی یا سینمایی بسازم و قدمی در این زمینه بردارم. متاسفانه دغدغه برخی هنرمندان ما در این حوزه ضعیف است. به نظرم چند اثری هم که با این موضوع ساخته شده، بیشتر سفارش بوده تا درخواستی خودجوش و دغدغه‌مند از سوی هنرمند.

فارغ از بحث هویت مستقل فیلم کوتاه، آیا می‌توانیم تجربیاتی نظیر ساخت همین فیلم اسماء را پشتوانه و تمرینی برای ساخت فیلم بلند و سینمایی قابل اعتنا در این زمینه بدانیم؟

حتما همین‌طور است. ممکن است ریسک ساخت فیلم بلند و سینمایی برای مدیران هنری و سینمایی قابل قبول نباشد و آنها با احتیاط به سرمایه‌گذاری در این حوزه ورود کنند اما به نظرم با ساخت فیلم‌های کوتاه داستانی و با حفظ استقلال فیلم کوتاه، می‌توان این عرصه را سکوی پرتابی به فیلم بلند دانست و می‌شود به فیلم‌های کوتاه داستانی با این موضوع به عنوان مشق و تمرین نگاه کرد. ما با ساخت اسماء نشان دادیم می‌شود در داخل کشور و با حضور بازیگران سوری، فیلمی ساخت که کار کاملا متعلق به سوریه و با محتوای جهانی به نظر برسد. بخشی از عوامل این فیلم، اهل سوریه و بخشی عوامل هم اهل ایران بودند.

خودتان هم یکی از نقش‌های فیلم را بازی کردید؟

بله، نقش کوتاهی بود که احساس کردم تنها خودم می‌توانم آن را بازی کنم، البته حق مطلب ادا نشده است و فقط ترجیحم این بود که خودم بهتر می‌توانم حس این نقش را منتقل کنم. پیرو بحث تمرین فیلم کوتاه برای بلند، فکر می‌کنم اساسا حرکت از فیلم کوتاه به بلند شاید اینجا معقول‌تر باشد. آیا در سینما به همان میزان و کیفیتی که نیروهای مقاومت حلب را آزاد کردند و به موازات آزادسازی حومه دمشق و دمشق و شرق سوریه، موفق به تولید اثر هنری شدیم؟ قطعا نه، اما بالاخره برای آزادسازی حلب، چهار عملیات ایذایی و محدود هم انجام شد تا به عملیات بزرگ حلب رسیدند. اگر بخواهیم این بحث را به حوزه سینما تشبیه کنیم، ما باید چند فیلم کوتاه بسازیم و بعد به تولید اثری بلند و سینمایی برسیم، آن هم کار خوبی که بتواند در جهان مخاطب داشته باشد.

در مصاحبه‌ای به چالش‌های شخصیت‌پردازی و داستانگویی به دلیل محدودیت زمان در فیلم کوتاه اشاره کردید. فکر می‌کنید چقدر این موانع به زعم شما در خلق فیلم بلند رفع می‌شود؟

منظورم از اشاره به این چالش‌ها مربوط به فیلم کوتاهی است که حرف بلندی داشته باشد. دراین‌صورت با محدودیت‌هایی مثل برآورد مالی و زمان مواجه خواهیم بود. از این نظر فیلم اسماء با وجود هویت مستقل یک فیلم کوتاه، پروموشن یک فیلم سینمایی است، یعنی ما این کار را انجام دادیم برای این‌که نسخه بلندی از همین قصه تولید کنیم، این‌که درنهایت این اتفاق رخ دهد یا نه یا از این فیلم به قصه دیگری پل بزنیم بحث دیگری است. با این نگاه باعث می‌شود بحث شخصیت‌پردازی کامل نشود، البته باید حتی در یک فیلم کوتاه هم شخصیت‌پردازی کامل شود. عرضم هم این نیست که در اسماء شخصیت‌پردازی کامل نشده است اما شخصیت اسماء ظرفیت روایت در یک قصه و فیلم بلند را هم دارد.

به جز شیرینی دریافت دو فانوس از جشنواره فیلم عمار، نظرتان درباره این رویداد چیست؟

با احترام به همه جشنواره‌ها، جشنواره عمار برای من از جشنواره‌های دیگر ارزشمندتر است، به‌ویژه بخش مستند آن. بیشتر از وجه جشنواره‌ای این رویداد، وجه عماری بودن آن برایم جذابیت دارد. با این‌که الحمدالله در جشنواره‌های دیگر هم نامزد دریافت جایزه بودیم و جوایزی هم گرفتیم اما فکر می‌کنم بهترین جایزه‌هایی که می‌توانستیم دریافت کنیم، از همین جشنواره عمار است. اگر فیلم‌های برای آزادی و اسماء بعد از این هم توفیقاتی کسب کنند، من باز هم جوایز عمار را ارزشمندتر می‌دانم. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت جشنواره عمار، مردمی بودن و تکلیف‌مداربودن آن است. عمار نگاهی به پهنای ایران دارد و معمولا کسانی هم که در این جشنواره شرکت می‌کنند، نگاهی تکلیفی و جهادی دارند. یک وقتی، واجب کفایی اتفاق می‌افتد، آن کسی که واجب کفایی را تکلیف خودش می‌داند و انجام می‌دهد، اسمش هنرمند عماری می‌شود. علی‌الاصول اولین جایی هم که اثرش پخش می‌شود همین جشنواره عمار است. درضمن سازوکار طراحی و اجرای جشنواره عمار هم متفاوت از سایر جشنواره‌هاست و بسیار به تولیدات مردمی کمک کرده که قطعا زمینه و پشتیبان تولیدات حرفه‌ای در تلویزیون و سینما هستند.

نکته

پرتره آیت‌ا... حکیم در «برای آزادی»

فرهاد حاجی‌عباسی و مصطفی آقامحمدلو به‌جز درخشش در حوزه سینمای داستانی در سیزدهمین جشنواره فیلم عمار، برای تولید «برای آزادی» و به دلیل «ساخت مستندی در مورد شهید محراب آیت‌ا... محمدباقرحکیم و پژوهش خوب و پرداختن به بخشی مهم از مبارزه مردم عراق علیه حزب بعث و همچنین خلاقیت در فرم» فانوس بهترین اثر بخش مستند نهضت جهانی مستضعفین را هم به دست آوردند. حاجی‌عباسی درباره این فیلم می‌گوید: این مستند به زندگی شهید محراب آیت‌ا... سیدمحمدباقرحکیم می‌پردازد. ایشان فرزند آسیدمحسن حکیم است که زمان خودشان مرجعیت علی‌الاطلاق شیعیان بودند. آیت‌ا... حکیم سال‌ها در حوزه فعالیت کرد و مرتبه علمی بزرگی دارد، بعد از اتفاقاتی که در عراق و بعد از شهادت شهید صدر می‌افتد، پایگاه اصلی ایشان ایران می‌شود و در طول جنگ به عنوان یکی از معارضین عراقی در ایران حضور داشتند. بعد از جنگ هم ایران را رها نکردند و سکوی مبارزات سیاسی و دیپلماتیک‌شان ایران بود. بعدها به عراق رفتند و در چهاردهمین خطبه نمازجمعه در یک اقدام تروریستی به شهادت رسیدند. قصه مستند از دوران مرحوم آسید محسن حکیم، مرجع بزرگ شروع می‌شود و بعد به زمینه‌های تاثیرپذیری آیت‌ا... حکیم از پدر و تاثیرگذاری خود ایشان می‌رسیم. این کار به سفارش شبکه الایام عراق انجام شد و مخاطبان اصلی فیلم هم مخاطبان عراقی هستند اما نظر مخاطبان ایرانی آشنا با آیت‌ا... حکیم هم تامین می‌شود.

قاب

پایان کار «جک نیکلسون»

گزارش‌هایی از شرایط سلامتی «جک نیکلسون» بازیگر مطرح سینمای جهان منتشر شده که اعلام می‌کند او مبتلا به زوال عقل شده و در ۸۵ سالگی به تنهایی زندگی می‌کند.

نیکلسون که سابقه بازیگری در هالیوود و فیلم‌های مستقل زیادی همچون «حرفه، خبرنگار» را دارد بیش از یک سال است که در انظار عمومی دیده نشده است. این بازیگر برنده سه جایزه اسکار در روزهای اخیر در خانه خود به تنهایی زندگی می‌کند و هیچ‌کس از حال عمومی او خبر ندارد.

آنلاین

«روز صفر» رایگان شد

اکران آنلاین فیلم سینمایی «روز صفر» ساخته سعید ملکان بعد از گذشت شش ماه به پایان رسید و به صورت عادی در شبکه نمایش خانگی منتشر شد.

«روز صفر» عنوان فیلمی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سعید ملکان محصول سال ۱۳۹۸ است. این فیلم به سبک معمایی - هیجانی و در فضای جنگی و ماجراجویانه به زبان‌های فارسی، اردو، پشتو و آلمانی ساخته شده است. داستان این فیلم که امیر جدیدی و ساعد سهیلی بازیگران نقش اول آن هستند در مورد نحوه و چگونگی دستگیری عبدالمالک ریگی توسط وزارت اطلاعات ایران است. این فیلم (به همراه فیلم شنای پروانه) با دریافت پنج سیمرغ بلورین از سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر، رکورددار دریافت بیشترین جایزه این جشنواره شد. روز صفر از اوایل تیرماه سال ۱۴۰۱ اکران آنلاین خود شروع کرد و حالا علاقه‌مندان می‌توانند در تمام پلتفرم‌ها به صورت رایگان این فیلم را تماشا کنند. امیر جدیدی، ساعد سهیلی، تینو صالحی، مهدی قربانی و ... بازیگرانی هستند که در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

فیلم کوتاه

«بازگشت نورا» آماده نمایش می‌شود

تصویربرداری فیلم کوتاه «بازگشت نورا» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علیرضا سعدی تمام شد و به مرحله تدوین رسید. این فیلم کوتاه که سومین فیلم کوتاه علیرضا سعدی به حساب می‌آید، طی سه روز در لوکیشن‌هایی در شهر تهران تصویربرداری شد و حالا روی میز تدوین اسماعیل منصف قرار گرفته است. شوکا دولتشاهی، بهار خالقی و آرونا میرباقری بازیگران بازگشت نورا هستند. در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: «نورا دختری است که آرزوی قاضی شدن دارد اما به خاطر مشکلاتی که برایش پیش می‌آید، تصمیم به مهاجرت می‌گیرد و اتفاقی می‌افتد که ...» فهرست عوامل فیلم کوتاه بازگشت نورا عبارتند از نویسنده: سمانه صبوری، مدیرتصویربرداری: رضا تیموری، مدیر صدابرداری: شاهین پورداداشی، تدوین: اسماعیل منصف، مدیر تولید: مرتضی ابراهیمی، صداگذار: شاهین پورداداشی، طراح صحنه و لباس: عرفان یزدانی، طراح چهره‌پردازی: مهرناز محوی، دستیار تولید: رضا روستایی، دستیار یک فیلمبردار: سهیل سیم‌صباحی، دستیاران تصویربردار: امید کیانی و شایان یادگاری، دستیار صدابردار: امید کریم، دستیار صحنه: امید امینی.